

داده است. در سطح دبستان و دبیرستان افرادی که حتی به درستی خواندن و نوشتن و ریاضیات پایه را فرا نگرفته‌اند به سطوح بالاتر راه می‌یابند.

دوران کرونا مشکلات آموزشی کشور را تشدید کرد. ضرورت استفاده دانش آموزان از موبایل و اینترنت در غیاب آموزگار و کنترل کارآمد خانواده، دانش آموزان را وارد جهان رنگارنگ و جذاب فضای مجازی کرد و از محیط خشک کلاس جدا نمود. بسیاری از دانش آموزان دبستانی که در خواندن و نوشتن مشکل داشتند، جست‌وجو در فضای اینترنت را به سهولت فرا گرفتند.

از سوی دیگر سخت‌گیری در گزینش آموزگار و استاد، از ورود افراد باسواد و مستقل به نظام آموزشی جلوگیری کرده و در مقابل سبب ورود گروهی از افراد ناتوان و بی‌انگیزه، ولی مطیع و فرمان‌بردار به نظام آموزشی کشور گردیده و سطح علمی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها را به نحو محسوسی کاهش داده است.

کسری بودجه فزاینده دولت و کاهش شدید بودجه‌های کمک آموزشی، توان بهره‌گیری از روش‌های جدید آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها را به نحو چشمگیری تنزل داده است؛ به‌طور مثال آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها به تجهیزات، دستگاه‌ها و مواد مورد نیاز دسترسی ندارند. در بسیاری از مؤسسات آموزشی امکان مالی برای تعمیر تجهیزات آسیب دیده به شدت محدود است. به این ترتیب کلاس‌های درس همچنان به صورت سنتی اداره می‌شوند و مطالبی گاه بسیار قدیمی از سوی مدرس ارائه می‌گردد و بر حفظ کردن مطالبی تأکید می‌شود که برای دانش آموزان و دانشجویان جاذبه چندانی ندارد. حتی در دانشگاه‌های بسیار معتبر فنی ایران، درس عمدتاً جنبه نظری دارد و فارغ‌التحصیلان از توان کاربردی قابل توجهی برخوردار نیستند.

امروزه یکی از نیازهای مهم بازار کار، توان انجام کار به صورت گروهی است. در کشورهای صنعتی دانشجویان در بدو ورود می‌آموزند که چگونه به صورت گروهی در مورد

گست نظام آموزش و بازار کار در ایران

/// در مورد ارتباط میان آموزش و بازار کار دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی بر ضرورت ارتباط نزدیک نظام آموزشی و نیازهای بازار کار تأکید دارند، در حالی که گروهی دیگر استقلال دانشگاه از بازار کار را ضروری می‌دانند؛ به‌طور مثال فلسفه یکی از رشته‌های مهم دانشگاهی است؛ هرچند امروزه ظاهراً بازار کار به فلسفه نیازی ندارد. در اکثر دانشگاه‌های بزرگ جهان رشته‌های متنوعی ارائه می‌شود که در برخی موارد، مشخص نیست که بازار کار مشخصی برای آن‌ها وجود داشته باشد، ولی بدون تردید با گسترش فرصت‌های شغلی برای برخی مهارت‌ها، مثلاً برنامه‌ریزی و کار با کامپیوتر، رشته‌های بسیاری در این رابطه در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد که نشانگر پاسخ‌گویی نظام آموزشی به نیازهای بازار کار است؛ بنابراین در عین حال که تمامی برنامه‌های آموزشی در خدمت بازار کار طراحی نمی‌شود، قطعاً در کشورهای مختلف جهان ارتباط نزدیکی میان نظام آموزشی و نیازهای بازار کار وجود دارد.

عدم تناسب برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار در ایران

نظام آموزشی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی گسترش کمی قابل ملاحظه‌ای یافته است، ولی با توجه به تداوم روش‌های سنتی و محدودیت‌های بودجه در طول زمان با کاهش کیفیت مواجه شده است. تأکید بر هدف آموزش توده‌ای و افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، انبوهی از جوانان بی‌انگیزه را در نهادهای آموزشی کشور جای



امروزه یکی از نیازهای مهم بازار کار، توان انجام کار به صورت گروهی است. در کشورهای صنعتی دانشجویان در بدو ورود می‌آموزند که چگونه به صورت گروهی در مورد موضوعات مختلف کار کنند. در این دوره‌ها، نحوه تقسیم‌کار برای جمع‌آوری، طبقه‌بندی، خلاصه‌سازی مطالب و شیوه‌های مختلف تهیه گزارش نهایی و ارائه آن به جوانان آموزش داده می‌شود. از این طریق دانشگاه‌ها مهارت‌هایی را به جوانان می‌آموزند که ضامن موفقیت آن‌ها در بازار کار است.



دکتر زهرا کریمی

عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه مازندران



درآمدهای قابل توجه به سرعت رشد یافته است. تشدید تحریم‌های بین‌المللی از سال ۱۳۹۱ مشکلات بازار کار ایران را تشدید کرده است. کاهش رشد اقتصادی به حدود صفر و روند نزولی سرمایه‌گذاری، امکان ایجاد فرصت‌های شغلی مولد را به نحو چشمگیری کاهش داده، درحالی‌که شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در طول دو دهه گذشته به سرعت افزایش یافته است.

عدم پویایی اقتصادی ایران و افول سرمایه‌گذاری تحولی ساختاری در بازار کار ایران ایجاد کرده است. در سال ۱۴۰۲ بیش از نیمی از شاغلین کشور در بخش‌هایی متمرکز بوده‌اند که عموماً برای نیروی کار ساده و غیر ماهر فرصت شغلی دارند. در این سال تعداد شاغلین بخش کشاورزی ۳/۵ میلیون نفر (۱۴/۴ درصد از کل شاغلین)، بخش ساختمان ۳/۴ میلیون نفر (۱۳/۸ درصد)، فعالیت‌های خرده فروشی و عمده فروشی ۴/۱ میلیون نفر (۱۹/۱ درصد) و بخش حمل‌ونقل و

این کشورها در کار گروهی سخن می‌گویند؛ درحالی‌که جوانان ایرانی عموماً فردمحور و نمره‌محور هستند. اهمیت نفر اول شدن به حدی در نظام آموزشی ایران بالا است که اهداف اصلی را در سایه قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که تربیت جوانان خلاق، با ذهنی پرسشگر و توانمند در کار گروهی در اولویت نظام آموزشی ایران قرار ندارد و به همین دلیل برای جذب کادر آموزشی بر اساس دانش و مهارت نیازی احساس نمی‌شود.

عدم تناسب وضعیت بازار کار ایران با سطح دانش و مهارت‌های نیروی کار

هرچند نظام آموزشی جوانان را برای ورود به بازار کار به‌درستی آماده نمی‌کند، ولی در دهه‌های اخیر ساختار اقتصادی ایران نیز با چالش‌های بزرگی مواجه شده که قادر به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و مناسب برای فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی نیست. از نیمه دهه ۸۰ فرصت‌های شغلی مولد رو به افول گذاشته و در مقابل مشاغل غیر مولد با

موضوعات مختلف کار کنند. در این دوره‌ها، نحوه تقسیم‌کار برای جمع‌آوری، طبقه‌بندی، خلاصه‌سازی مطالب و شیوه‌های مختلف تهیه گزارش نهایی و ارائه آن به جوانان آموزش داده می‌شود. از این طریق دانشگاه‌ها مهارت‌هایی را به جوانان می‌آموزند که ضامن موفقیت آن‌ها در بازار کار است. دانش‌آموزان فرا می‌گیرند که فعال بودن در مباحث مطرح شده در کلاس و کار جدی در ارتباط با پروژه‌های پژوهشی و مطالعات موردی، همانند کارآموزی در حین تحصیل است که آنان را برای ورود به بازار کار آماده می‌سازد. در ایران تجربه کار گروهی وجود ندارد. در سطوح مختلف آموزشی ایران انجام فعالیت‌های تیمی عموماً اهمیت چندانی پیدا نمی‌کند. ظاهراً انجام پژوهش به‌صورت گروهی در دستور کار برخی از کلاس‌ها وجود دارد، ولی غالباً جدی گرفته نمی‌شود و دانش‌کاربردی به وجود نمی‌آورد. ایرانی‌هایی که برای ادامه تحصیل یا کار به کشورهای صنعتی رفته‌اند، عموماً از توانمندی تحسین‌برانگیز جوانان

فارغ‌التحصیلانی که پس از مدتی جست‌وجو از یافتن کاری متناسب با دانش و علاقه خود ناامید می‌شوند؛ چون نمی‌توانند برای مدتی طولانی بیکار بمانند ممکن است به کارهایی تن دهند که ارتباطی با تخصص آن‌ها نداشته باشد. حضور میلیون‌ها جوان تحصیل کرده در مشاغل مانند دست‌فروشی و رانندگی در تاکسی‌های اینترنتی نشانگر ناتوانی اقتصاد ایران در ایجاد فرصت‌های شغلی با بهره‌وری بالا است.

برخی از کارفرمایان از سطح نازل علمی و توان پایین کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی گلایه دارند، ولی تجربه نشان می‌دهد که اغلب همین فارغ‌التحصیلان که به کشورهای صنعتی مهاجرت می‌کنند، عملکرد درخشانی در بنگاه‌های مختلف از خود نشان می‌دهند؛ در چارچوب کار گروهی جای می‌گیرند و به جایگاه‌های رفیعی دست پیدا می‌کنند. بنابراین ساختار مناسب بنگاه‌ها در کشورهای صنعتی می‌تواند بر ضعف‌های احتمالی نظام آموزشی غلبه کند، درحالی‌که مشکلات عدیده اقتصادی و مدیریتی در بنگاه‌های ایران به‌نوبه خود به مانعی بر سر راه افزایش بهره‌وری نیروی کار بدل می‌گردد؛ به‌طور مثال نیاز به دور زدن تحریم‌ها، قاچاق سوخت و واردات و صادرات قاچاق سایر کالاها در استان‌های مرزی درآمدهای نجومی برای گروهی خاص و کسب‌وکارهای پردرآمد برای بسیاری دیگر فراهم آورده و به ترک تحصیل و کاهش کیفیت آموزش در مناطق مرزی دامن زده است.

در زمستان سال ۱۴۰۳ سفری به سراوان در



نرخ بیکاری برای دارندگان تحصیلات عالی ۱۱/۸ درصد بوده است.

وضعیت بازار کار برای زنان دارای تحصیلات دانشگاهی بسیار بدتر از مردان است. درحالی‌که نرخ بیکاری برای فارغ‌التحصیلان مرد ۷/۹ درصد بوده این نرخ برای زنان از مرز ۲۰ درصد فراتر رفته است. شرایط نامساعد بازار کار سبب می‌گردد که بخش بزرگی از زنان تحصیل کرده پس از مدتی جست‌وجو از یافتن شغل ناامید و از بازار کار خارج می‌شوند. به همین دلیل با وجود حضور گسترده زنان در سطوح بالای آموزشی، نرخ مشارکت آنان در بازار کار بسیار پایین باقی مانده است (در سال ۱۴۰۲ نرخ مشارکت زنان در ایران ۱۴ درصد بوده که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز نرخ بسیار پایینی به حساب می‌آید).

انبارداری ۲/۴ میلیون نفر (۹/۸ درصد) بوده که در مجموع ۱۳/۴ میلیون نفر (۶۱ درصد از شاغلین کشور) را به خود اختصاص داده‌اند. ساختار تولید و اشتغال در این بخش‌ها عمدتاً سنتی است و بخش اعظم نیروی کار در این فعالیت‌ها غیرماهر، بی‌سواد یا کم‌سواد هستند. به سخی دیگر این بخش‌ها تقاضای بسیار محدود برای نیروی کار نیمه ماهر دارای تحصیلات دانشگاهی دارند.

با توجه به جدول شماره (۱) در سال ۱۴۰۲ پایین‌ترین نرخ بیکاری متعلق به نیروی کار بی‌سواد بوده است. با وجود حضور میلیون‌ها کارگر افغانستانی در بازار کار ایران که عموماً به‌عنوان کارگر غیر ماهر مشغول به کار هستند، نرخ بیکاری در میان نیروی کار بی‌سواد سه درصد و در میان افراد دارای تحصیلات ابتدایی ۴/۳ درصد بوده درحالی‌که

جدول شماره (۱) نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۲ بر اساس درصد (منبع: مرکز آمار ایران ۱۴۰۴)

جنسیت	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	عالی	بی‌سواد	کل
مرد و زن	۴/۳	۶	۹	۱۱/۸	۳	۸/۱
مرد	۴/۵	۵/۹	۸/۱	۷/۹	۳/۴	۶/۶
زن	۳/۲	۷/۳	۱۵/۹	۲۰/۵	۱/۴	۱۵



فارغ التحصیلانی که پس از مدتی جست و جوی یافتن کاری متناسب با دانش و علاقه خود ناامید می‌شوند؛ چون نمی‌توانند برای مدتی طولانی بیکار بمانند ممکن است به کارهایی تن دهند که ارتباطی با تخصص آن‌ها نداشته باشد. حضور میلیون‌ها جوان تحصیل کرده در مشاغل ماند دست‌فروشی و رانندگی در تاکسی‌های اینترنتی نشانگر ناتوانی اقتصاد ایران در ایجاد فرصت‌های شغلی با بهره‌وری بالا است.

نارضایتی در میان اقشار مختلف، بویژه در میان زنان و جوانان گسترش و تعمیق خواهد یافت. اما اگر نظام جمهوری اسلامی ایران بتواند تنش در روابط بین‌المللی را رفع کرده و در داخل کشور ثبات و آرامش ایجاد نماید، با کاهش ریسک در فضای کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد رشد خواهد یافت. در چنین شرایطی اصلاح نظام آموزشی، تأکید بر ضرورت ایجاد مهارت‌های لازم برای انجام کار گروهی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، تشویق خلاقیت و پرسشگری و تأکید بر توانمندی‌های کاربردی در مدارس و دانشگاه‌ها، به‌نوبه خود به نیازهای بازار کاری پویا، پاسخ داده و بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی را تسریع خواهد نمود. III

چشم‌انداز پیش رو

در صورت تداوم وضعیت موجود، نظام آموزشی کمابیش سنتی ایران قادر به ایجاد ارتباط مناسبی با نیازهای بازار کار نخواهد بود و نتوانست جوانان را برای ایجاد تحولی بزرگ و مثبت در اقتصاد و بازار کار آموزش دهد. در مقابل ادامه بحران اقتصادی ناشی از افزایش تنش‌های بین‌المللی، تورم فزاینده و تشدید نگرانی نسبت به آینده، به افول بیش از پیش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال منجر خواهد شد و تقاضا برای نیروی کار دارای مدارک دانشگاهی بسیار محدودتر خواهد گردید و بازار کار با مشکل افزایش مشاغل با بهره‌وری پایین و بی‌کیفیت مواجه خواهد بود. گرایش به مهاجرت و فرار سرمایه‌های مادی و فکری بیشتر خواهد شد و

سیستان و بلوچستان داشتیم. بخش بزرگی از جوانان، میانسالان، حتی سالخورده‌گان مشغول در این شهر به کسب‌وکار بسیار سودآور قاچاق سوخت یا معاملات سوخت اشتغال دارند. کیفیت آموزش در این منطقه پایین آمده و معلم‌ها توان نگه‌داشتن شاگردان در کلاس را ندارند. گروه قابل توجهی از دانش‌آموزان در مقطع راهنمایی و متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. این مسئله نه تنها وضعیت کنونی شهرستان سراوان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه پیامدهای بلندمدت هم در پی دارد. کارفرماها دنبال کارگر افغانستانی بودند. در پروژه لوله‌کشی گاز سراوان بخش اعظم کارگران افغانستانی بودند؛ به خاطر اینکه مزدی که اداره گاز پرداخت می‌کند، هیچ جاذبه‌ای برای جوانانی ندارد که اگر بنزین یا گازوئیل بفروشند، می‌توانند درآمدهای فوق‌العاده جذاب‌تری را به دست بیاورند. در گوشه و کنار خیابان‌های سراوان هر گالن بیست لیتری بنزین، سیصد هزار تومان فروخته می‌شد که حتماً درآمد خوبی برای فروشنده داشت. واقعاً گالن‌های بنزین فروشی در خیابان‌های اصلی، چهره شهر را زشت کرده بود. گفته می‌شد هر چقدر به سمت مرز نزدیک‌تر شوی، بنزین گران‌تر است. درآمدهای بالا در کسب‌وکار سوخت، انگیزه‌ای برای فعالیت‌های مولد با درآمدهای متعارف در منطقه باقی نمی‌گذارد. حتی بسیاری از نخلستان‌های زیبای شهرستان سراوان، هرس نشده رها شده بودند و جوانان گرایش به کار کشاورزی نیز نشان نمی‌دادند. مشابه این وضعیت در دیگر مناطق مرزی در استان‌های هرمزگان، کردستان و غیره وجود دارد.

